

بناهای آرامگاهی همدان^۱

در دوره اسلامی

رضا نظری ارشد

دانشگاه تهران

استادان راهنما: دکتر سوسن بیانی

شهریور ۱۳۸۱

نداشته باشد. بناهای آرامگاهی، اعم از مقابر کوچک و ساده تا بزرگ و با شکوه بنا به تناسب شکل و عملکرد با اسامی گوناگونی شناخته شده اند که مهمترین آنها عبارتند از: "قبه"، "مدفن"، "مزار"، "روضه"، "مشهد"، "مقام"، "مقبره"، "بقعه"، "آستانه"، "گنبد" و "امامزاده" که به منظور یاد بود و گرمی داشت یاد و خاطره شخص متوفی، در محل دفن وی ایجاد می گردید.

اندیشه اولیه اسلامی، هرگونه تجلیل معمارانه را در بنای مقابر محکوم می نمود و در واقع حتی اکثر مراسم تدفینی و یاد بودی را مذموم می شمرد. تسویه قبور و برابر سازی گورها با زمین پیرامون آن شایسته ترین بیان تساوی همه آدمیان در مرگ نگریسته می شد و تکریم قبور یا برپایی مراسم در پیرامون آنها ناشی از عادات ناشایست مسیحی و یهودی تلقی می گردید (۲).

با بسط و گسترش قلمرو اسلام و فتوحات مسلمین در اقصی نقاط ایران تا مدتها هنر معماری این سرزمین، همچنان بر عناصر گذشته خود متکی بود. هنرمندان مسلمان ایرانی با تکیه بر عناصر هنری گذشته خود، به ویژه هنر عصر ساسانی و با الهام گرفتن از فرهنگ اسلامی، معماری ایران را رونق بخشیدند و با ابداعات خود شیوه های معماری جدیدی را در این دوران بنیان نهادند (۱).

یکی از عناصر و پدیده هایی که از جنبه های گوناگون تاریخی، هنری، مذهبی و اجتماعی در معماری اسلامی نقش اساسی داشته؛ و امروزه از نظر تعداد آثار بازمانده پس از مساجد رتبه دوم را به خود اختصاص می دهد، می توان بناهای آرامگاهی و بقاع متبرکه عنوان نمود. پدیده ای که در بافت فرهنگ و جامعه ایرانی سابقه ای بس طولانی داشته و کمتر نقطه ای در ایران وجود دارد که سهمی از چنین بناهایی

۱- این پایان نامه در هشتمین دوره انتخاب پایان نامه سال دانشجویی در سال ۱۳۸۳ حائز رتبه گردیده است.

بنا بر روایت اهل سنت ایجاد هر گونه بنایی بر فراز قبر از سوی پیامبر منع گردیده و بسندی قبر از سطح زمین‌های اطراف نیز نباید بیشتر از چهار انگشت باشد (۳). هرگونه عزاداری و شیون و زاری برای مردگان مذموم شمرده می‌شد، حتی پس از رحلت پیامبر او را به طرز ساده‌ای در خانه‌اش به خاک سپردند. در آغاز فرامین و دستورات اسلامی درباره منع ایجاد هرگونه بنای آرامگاهی از جانب مسلمین رعایت می‌گردید ولی پس از مدتی این‌گونه دستورات به فراموشی سپرده شد. به طوری که در دو قرن نخستین اسلامی، محل دفن اصحاب پیامبر یا اعضای اهل بیت را با ایجاد علامتی مشخص می‌نمودند یا با ایجاد سایه‌بانی قبر را از باد و باران مصون می‌داشتند (۴). بنابراین بعید نیست که نخستین آرامگاهها بوسیله شیعیان و دوستان آنان خاندان پیامبر و امانت به جهت حفظ خاطره در گذشتگان به خصوص ائمه اطهار و امامزادگان و بزرگداشت آنان بنا گردیده باشد.

آرامگاه سازی و احترام به بزرگان و معصومین در گذشته، زودتر از آنچه تصور می‌رفت، به عنوان یکی از عادات سیاسی، مذهبی تشیع مطرح گردید و از آنجایی که عمدتاً پیروان تشیع به این پیش‌مفترخند، بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که حداقل بینش شیعه در دوام، تقویت و توسعه بقاع متبرکه و فرهنگ آرامگاه سازی از نقش اصلی و اساسی برخوردار بوده است. با این وجود قدیمی‌ترین یا نخستین مقبره به جنای مانده از سده‌های اولیه اسلامی "قبر الصلیبه" در شهر سامره است که قدمت آن به اواسط قرن سوم ه. ق. باز می‌گردد (۵). قبر الصلیبه آرامگاه مادر خلیفه المنتصر عباسی است. شاید مسیحی بودن مادر این خلیفه سبب به وجود آمدن این آرامگاه شده باشد (۶).

از سده اول تا سده سوم هجری هیچ نوع بنای آرامگاهی در ایران، که بتوان تاریخ معینی را بر آن نسبت داد باقی نمانده است ولی شاید بتوان تدفین هارون الرشید در خراسان را جزء نمونه‌های آغازین سنت آرامگاه سازی قلمداد نمود که خود زیربنای کوچکی برای آغاز تکوین بزرگترین بنای آرامگاهی

اختصاصی شیعیان جهان در مشهد بود. بدین نحو که پس از شهادت امام رضا (ع) ایشان در همان مکانی که هارون الرشید مدفون شده بود، به خاک سپرده شد و بدین ترتیب، بزرگترین و مهمترین زیارتگاه مذهبی شیعیان در ایران شکل گرفت (۷). از سده چهارم هجری به بعد شاهد ظهور و گسترش بناهای آرامگاهی در نقاط مختلف هستیم که از دلایل این گسترش می‌توان به مهاجرت امامزادگان و سادات به ایران و شهادت یا فوت آنان در آنجا و همچنین شکل‌گیری دولتها و حکومتهای محلی اشاره نمود. همچنین سلسله‌ها و نهضت‌های شیعی برای زیارت مقابر و آرامگاه‌های اعقاب علی (ع) اهمیت زیادی قائل بودند و همیشه تلاش می‌کردند که امکان سستی و کهن ایران را اسلامی کنند و همین روند از طرف ایران به سرزمین‌های غرب اسلامی مخصوصاً مصر عسرافاطمی نیز توسعه یافت (۸). (این پدیده در ایران ریشه‌ای عمیق و کهن داشت).

بناهای آرامگاهی اولیه که در ایران باقی مانده اند، بیشتر بناهای غیر مذهبی هستند. نمونه این نوع بناها مقبره سامانیان در بخارا حدود سالهای ۲۷۹ تا ۳۳۱ ه. ق. بقعه عرب‌آنا در تیم مورخ ۳۳۶ ه. ق. و مقبره برجی گنبد قابوس به سال ۳۹۷ ه. ق. می‌باشند.

با آغاز حکومت شیعی مذهب علویان "۳۱۶ - ۲۵۰ ه. ق." در طبرستان، بنای آرامگاه بر مزار سادات و امامزادگان نه فقط در منطقه زیر نفوذ سیاسی و نظامی آنها بلکه در مناطقی دیگری نیز چون نجف و کربلا آغاز می‌گردد (۹). ولی فعالیت گسترده در زمینه ساخت بقعه بر روی مشاهد معتبر و مزار امامزادگان از دوره حکومت آل بویه "۴۴۷ - ۳۳۳ ه. ق." به ویژه در زمان پادشاهی عضدالدوله فناخسرو آغاز می‌شود (۱۰). انتشار عقاید شیعه در بین حکام و مردم در این دوره نقش فراوانی را در این جهت ایفا می‌نمود، به طوری که شیعیان نه تنها سردان سامرا محل غیبت امام زمان را به عنوان مکانی متبرک زیارت می‌نمودند، بلکه اماکن مقدسی نیز بنا می

کردند. سمرقند امام رضا (ع) در مشهد نمونه ای از اقدامات آن دوره می باشد (۱۱).

در دوره سلجوقیان نیز آرامگاهها گسترش یافتند، به طوری که کسانون زیارت و اعتقاد عمومی گردیدند. دو عامل عمده باعث توسعه و گسترش این نوع از بناها شدند و در آن دخیل بودند؛ یکی گسترش تصوف و عرفان اسلامی و تلاش صنوف و سازمانهای تصوف برای بستن خود به یکی از اولیا الله و دیگری محبت و اخلاص نسبت به امامزادگان و امامان و رستگاری شخصی از طریق شفاعت یک نفر قدیس. در بعضی از شهرها، آرامگاهها مکانی برای تمرکز روحی و تجمع انسانهایی شد که از نقاط دوردست برای مجاورت با اولیا الله می آمدند (۱۲). یکی از نوآوریهای آرامگاههای ایران در این دوره استفاده از پیشطاق می باشد که به بنای آرامگاه افزوده شد (۱۳). همچنین در اواخر این دوره استفاده از سردابه در زیربنای آرامگاهی رواج یافت. استفاده از آجر علاوه بر جنبه کاربردی آن، در معماری دوره سلجوقی، نقش یک عنصر تزئینی را نیز ایفا کرده است. آجر در اشکال مختلف و با روشهای گوناگون اجرا، در تزئینات مقابر این دوره نقش اصلی و عمده را دارا بوده است. به طوری که در گذشته مراحل مختلف تکوین و تکامل را طی کرده بود و در معماری این دوره به درجه کمال و حد اعلای خود رسید. برجهای خرقان فروین، گنبد علویان همدان، گنبد سرخ مراغه و برج مهماندوست دامغان از نمونه های قابل توجه این گونه تزئین به شمار می روند. در اواخر دوره سلجوقی تزئینات آجری جای خود را به تزئینات رنگی گچی و گچبری داد. از نمونه های قابل ذکر آن می توان به آرامگاه سلطان سنجر در مرو اشاره نمود (۱۴).

ایلخانان نیز در گسترش مقابر تاثیر به سزایی داشتند، به گونه ای که نیمی از بناهای این دوره را مقابر تشکیل می داد. ویژگی بارز معماری این دوره پیروی از الگوهای متداول عصر سلجوقی و استفاده از دستاوردهای آن بود. در این دوره نیز تاثیر گرایشهای عرفانی و تصوف و گرایشهای شیعی در

ساخت متابر و بقاع مذهبی موثر بوده است. به عنوان نمونه می توان از حرم مطهر امام رضا (ع) و مقبره حضرت معصومه (س) در قم نام برد که مورد توجه خاص قرار گرفتند. اکثر مقابر این دوره دارای محرابهای گچی بسیار نفیس بوده و از گنبد دو جداره برخوردار می باشند که نمونه برجسته آن در مجموعه بسطام مشاهده می شود. (۱۵) استفاده از عناصر معماری از قبیل طاقناهایی با عمق زیاد در نماهای بیرونی بناهای این دوره به عنوان عامل تزئینی از ویژگی هایی است که در دوره تیموری و حتی صفوی به اوج کمال خود دست می یابند.

تیموریان نیز همانند ایلخانان به ایجاد بناهای مذهبی و غیر مذهبی علاقه نشان دادند و از نظر طرح و شیوه معماری از نقشه ها و طرح های متداول و رایج دوره های ما قبل خود بهره می بردند. بناهایی که بر روی قبور و یا پیرامون آنها بر پا شده تقریباً چهل درصد همه بناهای دوره تیموری را به خود اختصاص می دهند. (۱۶). قسمت عمده آرامگاه های مانده، از نوع ساختمان های مکعب شکل گنبددار می باشند که برای شخصیت های مذهبی و غیر مذهبی ایجاد می گردید. در معماری آرامگاهی دوره تیموری گورستان معروف به شاه زنده در سمرقند ممتاز می باشد که در واقع به بهترین گونه نشانگر معماری مذهبی و غیر مذهبی این دوره می باشد. در دوره تیموری به ویژه در سده نهم هجری هرج و مرجهای سیاسی موجب رواج شیوه های محلی و مستقل در معماری گردید، به عنوان نمونه در مازندران شمار زیادی مقابر برجی شکل به شیوه ای جدا افتاده از مسیر اصلی معماری تیموری بر پا شدند. (۱۷) شیوه تزئین بنا با کاشی معرق، دوره تیموری را به یکی از ادوار مهم و درخشان اسلامی از نظر تزئینات بنا تبدیل نموده است که به عنوان نمونه در بناهایی از قبیل آرامگاه گوهر شاد در هرات و گور امیر در سمرقند به گونه زیبایی متجلی شده است. (۱۸)

با ظهور دولت صفوی و قدرت گرفتن مذهب تشیع به عنوان مذهب رسمی، سعی وافر در توسعه مرمت و بازسازی

مقابر امامزاده‌ها، علما و مقدسین صورت گرفت، بطوریکه تعدادی از آنها به صورت مجموعه‌هایی بزرگ و معتبر با پشتوانه مالی فراوان در آمدند. بقعه شاه نعمت الله ولی در کرمان (۱۹)، حرم مطهر امام رضا (ع) در مشهد (۲۰) و بقعه شیخ صفی‌الدین در اردبیل (۲۱) تنها سه نمونه در میان بسیاری از این قبیل بناها می‌باشند. شاهان صفوی به جای اینکه در آرامگاه‌های شخصی یا خانوادگی دفن شوند، ترجیح می‌دادند که در جوار اماکن متبرکه به خاک سپرده شوند و این مطلب نژادگر علاقه و احترام فراوان آنان به امامزادگان و در نتیجه توسعه و گسترش بناهای آرامگاهی بود. در این دوره سبک معماری قدیم ایران تجدید شد و در طرح، شکل و مصالح بناها، جای خود را باز کرد. (۲۲) همچنین استفاده از کاشی معرق و هفت رنگ برای مقاصد تزئین، رونق فراوان یافت. در نهایت می‌توان چنین گفت که در دوره صفوی زیارتگاه‌ها جنبه غالب معماری مذهبی بود. این امر مخصوصاً در مورد مجموعه‌های بزرگ و حتی امامزاده‌های مجزا هم صادق بود؛ هر دو نوع این ابنیه مراکز زیارتی بر شمرده می‌شدند. در همین دوره بود که بیشتر آرامگاه‌های معروف ایران و عراق به این جنبه خود دست یافتند. آرامگاه‌های غیر مذهبی راه را کاملاً برای آرامگاه‌های عرفا گشود و این جریان را البته می‌توان دست کم تا دوره مغولان پیگیری کرد ولی از آن پس به بعد توان جذب مردم را به خود پیدا کردند.

برج‌های تدفینی که در تاریخ معماری میانه ایران رواج و رونق بسزایی داشت، در این دوره از رونق افتاد و جای آن را بناهای عریض و طویل گرفتند که به جای سقف‌های مخروطی سقف گنبدی داشتند. هماهنگ با این تحول، پلان مربع و یا هشت ضلعی رواج یافت و جای انواع پیشین را گرفت. اندرون این آرامگاه‌ها به جای اینکه تنگ و بسته باشد، فضای نسبتاً وسیعی داشت. آنها اغلب مزین به محراب بودند و گاهی نیز باغی و صحنی در مجاورت آن ایجاد می‌شد. این تحول اساسی در آرایش آنها واکنش در مقابل عادت دل‌بستگی روز افزون به زیارتگاه‌ها بود و این عمل می‌رساند که چرا

صفویان در معماری مذهبی بیشتر از مساجد، از آرامگاه‌ها و زیارتگاه‌ها حمایت به عمل آوردند. پذیرش و توسعه تشیع با سنت دیرینه تجلیل ائمه اولیا می‌توانست در مقام مذهب ملی این نوع تحول و دگرگونی را بیشتر از پیش جلودانه سازد. (۲۳) یادآور می‌شود که آرامگاه‌ها به ویژه امامزاده‌ها بیشتر در پیوند با گورستان‌ها بوده‌اند. بدین گونه که یا بقعه در وسط و یا کنار گورستان بر پا شده، یا به دلیل وجود بقعه و حرمتی که برای او قائل بوده‌اند، پیرامون آن به گورستان تبدیل شده است.

بطور کلی بناهای آرامگاهی به دو گروه مذهبی و غیر مذهبی تقسیم می‌شوند. با توجه به این تقسیم بندی می‌توان چنین گفت که همواره آرامگاه‌های مذهبی و غیر مذهبی جایگاه خود را در معماری اسلامی حفظ نموده‌اند. هر چند عملکرد مذهبی یا غیر مذهبی آرامگاه‌ها در زمان ساخت هر یک مشخص بوده است، لیکن به مرور زمان، گاه مقابر غیر مذهبی جایگاه مذهبی یافته و در اذهان مردم به مکان زیارتی تبدیل شده است. به عنوان نمونه می‌توان از بقعه خضر همدان یاد نمود که امروزه در محل به نام امامزاده خضر شهرت یافته است. همچنین می‌توان آنها را از لحاظ نقشه، فرم و ریخت شناسی به زیر گروه‌های دیگری تقسیم نمود. بناهای آرامگاهی از لحاظ نقشه شامل سه گروه؛ مقابر با نقشه دایره ای شکل، مقابر با نقشه چهار ضلعی و مقابر با نقشه چند ضلعی هستند و از لحاظ فرم و ریخت شناسی به دو گروه برجی و مقابر غیر برجی تقسیم می‌شوند. مقابر برجی با اشکال متنوع از قبیل؛ مدور و چند وجهی دارای ویژگی‌های مشترکی چون گنبد بلند، خارجی و ناکسید بر بلندی ارتفاع ساختمان نسبت به عرض آن می‌باشند. گرچه برخی از محققین ریشه این نوع بناها را به خیمه‌های ترکی، معابد صائبه، برج‌های دیده بانی چینی و مقابر برجی شکل پالمیری نسبت می‌دهند، ولی باید گفت که ریشه پیدایش این نوع بناها در پرده‌ای از ابهام قرار دارد. (۲۴)

سرآغاز این نوع بناها گنبد قابوس با قدمت سال ۳۹۷ هـ. ق است. بنای قرص و محکمی که قدرت بی چون و چرای خود را بیش از پیش جلوه می دهد و در واقع به عنوان انگویی برای سایر مقابر برجی شکل بعدی به شمار می رفت و از لحاظ مقیاس و ارتفاع هیچیک از مقابر برجی با آن برابری نمی کند. (۲۵) روند تکاملی این نوع برجهای آرامگاهی در ادوار سلجوقی، ایلخانلی و تیموری نیز ادامه می یابد که به عنوان نمونه می توان به برج رسکت مورخ ۴۰۰ هـ. ق (۲۶)، رادکان غربی مورخ ۴۱۱ هـ. ق (۲۷)، برج لاجیم مورخ ۴۱۳ هـ. ق (۲۸) گنبد علی در ابرفو مورخ ۴۴۸ هـ. ق، برجهای خرفان به تاریخهای ۴۶۰ و ۴۸۶ هـ. ق، برج مهباندوست دامغان قرن پنجم هـ. ق، برج علاالدین در ورامین مورخ ۶۸۹ هـ. ق، برج کاشانه در بسطام مورخ ۷۰۰ هـ. ق، امامزاده جعفر قم مورخ ۷۲۵ هـ. ق، بقعه چلبی اوغلو در سلطانیه مورخ ۷۲۸ هـ. ق، زیارتگاه چهار امامزاده در قم سده های هشتم و نهم هـ. ق و زیارتگاه شاهزاده محمد قم متعلق به اوایل قرن نهم هجری (۳۰) اشاره نمود.

گونه دیگر بناهای آرامگاهی، مقابر غیر برجی می باشند. مقابر غیر برجی یا ساختمانهای مکعبی گنبددار در بین آثار معماری ایران از پیشینه طولانی برخوردار بوده و دارای شهرتی همیشگی بوده اند که حداقل از اوایل قرون چهارم هـ. ق تا دوران جدید گسترش داشته و از اهمیت ویژه ای در تاریخ تحول معماری ایران در دوره اسلامی برخوردار می باشند. (۳۱) عده ای از محققین منشأ و ریشه این نوع بناها را همان چهار طاقی یا آتشکده زمان ساسانیان و برخی دیگر نیز ریشه و اصل آنها را با توجه به بنای قبه الصخره و گنبد اُصلیبیه تحت تأثیر معماری هلنی یا مسیحیت شرقی می دانند. (۳۲) ماوراء النهر قرن چهارم شاهد ساخت یک دوره کامل آرامگاه هایی از گونه چهار گوش گنبدی، بیشتر با تزئینات آجری مفصل دار بود، نمونه های آن مقبره ساسانیان در بخارا و آرامگاه عرب آتا در تیم در نزدیکی سمرقند می باشد. (۳۳)

شاهکار و سرآغاز این نوع بناها بدون شک مقبره ساسانیان در بخارا حدود سالهای ۲۷۹ تا ۳۳۱ هـ. ق می باشد که به لحاظ اهمیت تاریخی، ویژگی های معماری و تزئینات آجری منحصر به فرد خود از دیر باز مورد توجه باستان شناسان، معماران و مورخان قرار گرفته است. بنای مزبور به شکل مربع و اندازه هر ضلع آن ۹/۳۰ متر و ارتفاع بدنه آن ۹ متر است. مقبره دارای گنبد نیم کروی است و در چهار گوشه آن چهار گنبد کوچک بنا کرده اند. گنبد بر فراز اتاق چهار گوشه با کمک سه کنج یا فیلبوش احداث شده که قابل مقایسه با شیوه گنبد سازی در معماری پارتی و ساسانی است. آرامگاه مذکور نه تنها از لحاظ ساختار کلی، الگوی واقعی بناهای بعد از خود گردید، بلکه تزئینات آن نیز منشأ تحولات و محرک دستاوردهای مهمی در معماری ادوار بعد گردید. به طور کلی مقبره ساسانیان گرچه بنای کوچکی است، ولی سادگی و سوزون بودن اجزای آن و بالاخره تزئین فوق العاده در سطوح داخلی و بیرونی این بنا، آن را در زمره شاهکارهای معماری صدر اسلام قرار داده است. (۳۴)

دومین شاهکار آرامگاههای مکعبی گنبددار، آرامگاه عرب آتا در تیم می باشد که به تاریخ ۳۶۶ هـ. ق بنا گردیده است. نقشه بنای مذکور به شکل مربع و دارای یک پیش طاق با شکوه و کاملاً پیش آمده در نمای خارجی است که ارتباط فضای داخلی را با فضای خارجی پیرامون خود میسر گردانیده است. طاقنمای مزبور عجالتاً قدیمی ترین نمونه پیش طاق شناخته شده می باشد که بعداً ویژگی عمده تمام معماری ایران می گردد. آرامگاه عرب آتا نشانگر انتقال چهار گوش به گنبد است و همین ویژگی بعدها به یکی از خصوصیات درخشان تاریخ معماری ایران تبدیل شده است. همچنین این بنا نمایانگر مرحله انتقالی مهمی از آرامگاه ساسانیان در بخارا به آرامگاه های سلجوقی است. (۳۵)

احداث بناهای آرامگاهی غیر برجی تنها منحصر به قرون اولیه اسلامی نگردید، بلکه به سیر تحول و تکامل خود تا دوره صفویه که مقابر برجی از رونق افتاد، ادامه داد. گنبد

سرخ در مراغه مورخ ۵۴۲ هـ. ق، مقبره سلطان سنجر در مرو مورخ ۵۵۲ هـ. ق، آرامگاه ابوالفضل در سرخس متعلق به سده پنجم یا ششم هـ. ق، گنبد علویان همدان متعلق به قرن ششم هجری، بنای آرامگاه هارونیه طوس در قرن هفتم هجری، مقبره اولجایتو در سلطانیه بسه تاریخ ۷۱۳-۷۰۵ هـ. ق، امامزاده یحیی متعلق به دوره ایلخانی در ورامین، مجموعه آرامگاههای شاه زنده در سمرقند متعلق به دوره تیموری نمونه های دیگری از این نوع بناها می باشند.

با توجه به اهمیت موضوع بناهای آرامگاهی (مذهبی و غیر مذهبی) و همچنین شناخت دقیق مراحل تکوین و شکل گیری آنها، مطالعه و بررسی ده بنای آرامگاهی شهر همدان که تاریخ ساخت آنها در محدوده زمانی قرون پنجم و ششم هجری (سلجوقی) تا یازدهم و دوازدهم هجری (صفوی) قرار می گیرند، می تواند اطلاعات ارزشمندی را جهت شناخت و چگونگی تحول آنها ارائه دهد. از سوی دیگر با توجه به اینکه بررسی ها و پژوهشهای مختصر و نا کافی که در پیرامون اینگونه آثار معماری انجام گرفته، اغلب جنبه توصیفی داشته و کمتر به نکات تحلیلی و سیر تحول تاریخی - مذهبی و معماری آنها پرداخته شده است، نگارنده را به بررسی و تحقیق پیرامون اهداف مذکور رهنمون ساخت. هر چند در حال حاضر به جز ده بنای مطالعه شده در این رساله، نمونه های ارزشمند دیگری از این گونه بناها در همدان باقی نمانده است ولی بر اساس مدارک مکتوب، اعم از سفرنامه ها و متون کهن تاریخی و جغرافیایی عهد اسلامی، تعداد مقابر دوره اسلامی شهر همدان می بایست بیش از این تعداد بوده باشد. در هر حال مطالعه و بررسی همین تعداد باقی مانده به عنوان ماده خام مطالعاتی به خوبی می تواند نتایج ارزشمند و ارزنده ای را در زمینه چگونگی ایجاد این دسته از ساختمانها اعم از موقعیت مکانی در بافت شهری، وضعیت طراحی بنا، فضا سازی، تزئینات وابسته به معماری، مشخصات بانیان و واقفین هر آرامگاه و تغییر و تحولات انجام شده در آرامگاه سازی در مقایسه با دوره های قبل و همچنین شناسایی هویت و کیستی

سرد یا افراد مدفون در این آرامگاه ها (مزار شناسی) در اختیار گذارده و زمینه پاسخگویی به این سوالات را فراهم سازد:

- ۱- شرایط تاریخی و مذهبی ایجاد و شکل گیری بناهای آرامگاهی در منطقه همدان چه بوده است؟
- ۲- موقعیت مکانی بناها در بافت شهری همدان به چه صورت شکل گرفته است؟
- ۳- با بررسی وجوه اشتراک و افتراق در این آرامگاه ها، چه تأثیری از گذشته پذیرفته و در زمان خود و پس از آن چه تأثیری بر جای گذاشته است؟
- ۴- مشخصات اصلی معماری و تزئینات وابسته به معماری بناهای آرامگاهی همدان کدامند؟
- ۵- جایگاه این بناها در سیر تحول معماری مقابر ایران را چگونه می توان ارزیابی نمود؟

در این رساله، داده های مکتوب در مورد مقابر مورد نظر از یکسو و ساختمان مقابر از طرف دیگر مورد مطالعه قرار گرفت. داده های مکتوب شامل منابع و مراجع دست اول یعنی متون هم عصر ساخت مقابر از نوع تاریخی، سفرنامه ها و نسب شناسی ها و تحقیقات محققین داخلی و خارجی در مورد مقابر به طور کلی و آثاری که به صورت تک نگاری راجع به بناهای مجموعه ای و منفرد در زمینه مقابر صورت گرفته، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. در زمینه انجام فعالیتهای میدانی یکایک مقابر، مورد بررسی، مطالعه، توصیف، تحلیل معماری و عکسبرداری قرار گرفت و نقشه های موجود هر یک در محل مطابقت داده شد و اشتباهات برخی از آنها تصحیح شد. همچنین در این راستا، نقشه های برخی از بناهای آرامگاهی مورد مطالعه از قبیل امامزاده اسماعیل که نقشه ای از آن در دست نبود، توسط نگارنده برداشت و ترسیم شد.

نتایج بررسیها و مطالعات در این رساله در سه فصل تهیه و تنظیم گردیده است:

فصل اول این رساله به ملاحظات جغرافیایی و تاریخی منطقه اختصاص یافته است. در قسمت اول از این فصل به بررسی ویژگی های جغرافیای طبیعی، انسانی و ... پرداخته شده

است. در قسمت دوم نیز به مباحث جغرافیای تاریخی از قبیل؛ وجه تسمیه و معنا شناسی واژه همدان (هگمستانه)، پیشینه تاریخی همدان در دوران قبل و پس از اسلام پرداخته ایم. در پایان این قسمت از فصل نخست نیز به بررسی متون جغرافیایی و تاریخی دوره اسلامی و سفرنامه هایی که در آنها مطالبی درباره همدان به چشم می خورد، پرداخته شده است.

در فصل دوم نیز به توصیف و تحلیل معماری بناهای آرامگاهی شهر همدان در دوره اسلامی پرداخته شده است. نحوه معرفی این بناها بر اساس ترتیب تاریخی ساخت آنها و طبق نظامی خاص انتخاب شده است. بدین ترتیب که بنای آرامگاهی گنبد علویان به عنوان قدیمی ترین بنا و سپس بناهای بقعه خضر، امامزاده هادی، برج قربان، امامزاده محسن، بقعه استر و مردخای، امامزاده یحیی، امامزاده حسین، امامزاده اهل بن علی و امامزاده اسماعیل در ردیف های دوم تا دهم قرار می گیرند. در بررسی هر یک از بناهای آرامگاهی نامبرده از یک روش استفاده شده است. بدین ترتیب که ابتدا به ذکر موقعیت مکانی، تاریخچه و ماهیت مزار شناختی، پیشینه تحقیقات، توصیف کلی بنا و مصالح ساختمانی پرداخته شده و به دنبال آن ساختمان مقبره با تمامی جزئیات معماری در نقشه، نما و تزئینات مورد توصیف و تحلیل قرار گرفته است. در پایان مطالعه و بررسی هر بنا نیز بحث نتیجه گیری آمده و در انتها به مقایسه آن بنا با آثار مشابه در مناطق دیگر پرداخته شده است.

در فصل سوم به مطالعه سیر تحولی بناهای آرامگاهی در ایران دوره اسلامی و نتیجه گیری از بناهای مورد مطالعه پرداخته ایم. نقشه ها و طرح های مربوط به بناهای آرامگاهی همدان که در این رساله از آنها استفاده شده، متعلق به مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی کشور، اداره کل میراث فرهنگی استان همدان، مرکز اسناد دانشکده معماری دانشگاه شهید بهشتی تهران و نیز برخی مقالات و کتب مرتبط با بناهای مورد مطالعه به زبانهای خارجی می باشد که به مآخذ تمامی آنها در جای خود اشاره شده است. تصاویر و عکس های بناها به جز

تعدادی که متعلق به بایگانی و آرشیو اداره کل میراث فرهنگی همدان می باشد، توسط نگارنده تهیه گردیده است. یادآور شود طرح ها و تصاویری که از دیگر مناطق و به منظور مقایسه با بناهای آرامگاهی مورد بحث استفاده شده از این قاعده مستثنی می باشد. فهرست منابع و مآخذ و چکیده انگلیسی پایان بخش این رساله می باشد.

در این مجال به اختصار به معرفی بناهای آرامگاهی همدان که در این رساله مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته اند می پردازیم:

۱- گنبد علویان

بنای گنبد علویان از آثار برجای مانده از دوره سلجوقیان در همدان از نوع مقابر با نقشه چهار ضلعی گنبددار می باشد. طول و عرض بیرونی بنا در حدود ۱۳/۵۰*۱۳/۵۰ متر و از داخل حدود ۹*۹ متر می باشد. ارتفاع بنا نیز در حدود ۱۲/۵۰ متر می باشد. ورودی بنا به عرض و ارتفاع ۲*۱/۵۰ متر در ضلع شمالی بنا قرار گرفته است. در جلوی ورودی و مدخل بنا ۹ پله سنگی به ابعاد طول، عرض و ارتفاع ۲۰*۳۵*۲۳۰ سانتی متر تعبیه شده که این پله ها امکان راهپایی به داخل مقبره را فراهم می نمایند. بنای مذکور از دو اشکوب تحتانی (سرداب) و فوقانی (گنبد خانه) تشکیل شده است. هر یک از اضلاع بیرون بنا با طاقنماها و نغولهایی که هر یک دارای تزئینات آجرکاری با طرحهای مختلف و متنوع می باشد پوشش یافته است. در اضلاع شرقی، غربی و جنوبی بیرونی در هر ضلع دو طاقنما با طاق جناغی که داخل قابهای مستطیل شکل قرار گرفته اند وجود دارد. سردر ورودی این بنا با تزئینات آجرکاری و گچبری در قالب طاقنماهای باریک و قابهای متداخل مستطیلی و قوسی مزین شده است. اضلاع غربی و شرقی داخل مقبره نیز نغول سه قسمتی دارد که این نغولها بوسیله تعدادی نیم ستون مدور از یکدیگر جدا شده اند. سطوح داخلی بنا نیز با تزئینات گچبری با طرحهای متنوع اسلیمی و هندسی به گونه بسیار زیبا و پرکار

تزیین یافته‌اند. در ضلع جنوبی داخل بنا محراب قرار گرفته که از نمونه‌های نادر معماری اسلامی ایران به شمار می‌رود. قسمتهای مختلف این محراب نیز با کتیبه‌های مختلف قرآنی و نقوش گیاهی - هندسی به مانند دیگر اضلاع داخلی بنا تزیین شده است. علاوه بر تزیینات مذکور، کتیبه‌های گچبری متعدد با موضوع آیات قرآنی به خط ثلث برجسته و کوفی در نمای داخلی بنا و کتیبه‌هایی به خط کوفی مشتمل بر کتیبه‌های قرآنی در طرفین مدخل و سردر ورودی و قسمتهای فوقانی دیوارهای بیرونی بنا وجود دارد. در اشکوب زیرین بنا سرداب چلیپایی شکل قرار دارد که مدخل آن از طبقه فوقانی بنا و بوسیله چهارده پله سنگی است. فضای سرداب با طاقهای گهواره‌ای پوشش یافته و در وسط سرداب، مرقدی سکوگونه پوشیده از کاشی‌های خشتی فیروزه‌ای رنگ وجود دارد. پژوهشهای به عمل آمده درباره شناسایی هویت مدفونین در بنا بیانگر این واقعیت تاریخی است که این گنبد گورگاه و مدفن دو - سه تن از مشهورترین سران خاندان علویان همدان به ویژه علاء الدوله‌ها که از تاریخ نیمه سده پنجم هجری (۴۵۰ هجری) تا هنگام تازش مغولان به همدان (۶۱۷ هـ) سمت ریاست تشریفاتی و سیادت مذهبی در آن شهر را داشته‌اند می‌باشد. (۳۶) یادمان معماری گنبد علویان به شماره ۹۴ در تاریخ ۱۳۱۰/۱۰/۱۵ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است.

۲- بقعه خضر

ساختمان بقعه خضر از نوع مقابر با پلان چهار ضلعی گنبددار با ابعاد طول، عرض و ارتفاع ۷*۶*۶ متر، بطور کلی از دو قسمت بدنه چهار ضلعی آجری و گنبد کم‌خیز یک پوش تشکیل شده است. داخل بنا نیز به صورت مربع بوده و دارای ابعادی به طول و عرض ۵۰/۵۰*۴/۵۰ متر می‌باشد. درگاه و مدخل بقعه در ضلع شمالی بنا با ابعاد ۲۰/۵۰* ۱/۲۰ متر قرار گرفته است. در نمای بیرونی بنای مذکور به جز ضلع غربی که در آن تزییناتی از جمله آثار

پاکارقوس، همچنین مهرهای گچی بین آجر و بقایای کتیبه‌ای به فارسی که با خط ثلث گچبری شده مشاهده می‌شود، تزیین دیگری وجود ندارد. به احتمال زیاد این تزیینات خود متعلق به ساختمان یا فضای معماری دیگری بوده که دیوار شرقی آن متصل به ضلع غربی بنای کنونی بوده و پس از اینکه ساختمان یا اتاق مذکور بنا به دلایلی نامعلوم از بین رفته، تزیینات آن بر دیواره غربی بقعه باقی مانده است. در داخل بنا محرابی در ضلع غربی وجود دارد که با کتیبه‌هایی از آیات قرآنی و عبارات صوفیانه به خط ثلث و کوفی تزیین شده است. دو ردیف کتیبه نیز به فارسی و به دو خط کوفی و نسخ در سرتاسر اضلاع داخلی بنا موجود می‌باشد. (۳۷) وجود کتیبه‌های فارسی مذکور به خط کوفی و نسخ آنهم با موضوعات حماسی که برگرفته از شاهنامه فردوسی می‌باشند، در معماری اسلامی ایران مشاهده نشده و منحصر به بقعه خضر همدان می‌باشد. با بررسیها و مطالعات انجام گرفته درباره تاریخ ساخت، کارکرد و شناسایی هویت فرد مدفون در مزار و با توجه به مدارک و شواهد باستان شناختی بقعه خضر را می‌توان آرامگاه و مدفن یکی از صوفیان و درویش مشهور همدان در قرون ۴ و ۵ هجری بنام پیر خضر دانست که احتمالاً بقعه و مزار مزبور خانقاه یا زاویه ایشان بوده که پس از وفات، مدفن او شده و مورد توجه و زیارت پیروان و علاقه‌مندان ایشان قرار گرفته و حتی به نام امامزاده خضر نیز موسوم گشته است. (۳۸) بقعه پیر خضر به شماره ۲/۱۰۷۷ در تاریخ ۱۳۵۴/۳/۲۸ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده است.

۳- امامزاده هادی بن علی (ع)

بناهای امامزاده هادی یا آن چنانکه در همدان نیز موسوم است «فرزند علی» با پلان مربع یا چهار ضلعی گنبددار و ابعاد بیرونی ۸/۵۰*۸/۵۰ متر و ابعاد داخلی ۵۰/۵۰*۵۰/۵۰ متر ساخته شده است. ارتفاع بنای مذکور حدود ۱۲ متر می‌باشد. ورودی و مدخل بنا در ضلع شمالی و به ابعاد طول و

۲۰ سانتی متر و ارتفاع تقریبی ۴ متر که با طاق جناغی پوشش یافته‌اند، وجود دارد. برج قربان که با شماره ۳/۱۰۷۸ در تاریخ ۱۳۵۴/۳/۲۸ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده از ساخته‌های دوره ایلخانی می‌باشد. (۴۰)

۵- بقعه استر و مرد خای

بقعه مشهور و زیارتگاه یهودیان، «استر و مردخای» در مرکز شهر همدان و با فاصله کمی از میدان امام خمینی (ره) تقریباً بر نشه مربع و در جهت شمالی- جنوبی قرار گرفته است. بنای مورد بحث از چند بخش مختلف از جمله؛ مدخل، اتاق ورودی، اتاق مقبره (گنبد خانه) و سرداب تشکیل شده است. مدخل بنا در منتهی الیه ضلع شرقی و در دیوار انتهایی جلوخاں به ابعاد ۷۰ سانتی متر عرض و ۱/۱۰ متر ارتفاع قرار گرفته است. نقشه داخل بنا از دو اتاق مختلف تشکیل شده که یکی اتاق ورودی و دیگری اتاق مقبره می‌باشد. اتاق ورودی بنا با پلان مستطیل و به ابعاد ۹*۴ متر می‌باشد. اتاق مقبره نیز با نقشه مربع با ابعاد تقریبی ۴*۴ متر در قسمت غربی اتاق ورودی قرار گرفته است. در قسمت‌های مختلف داخل بنا کتیبه‌هایی به زبان عبری و در ابعاد مختلف وجود دارد. البته هیچ یک از کتیبه‌های مذکور ارتباطی با تاریخ ساختمان بنا و یا نام بانی آن ندارند، بلکه این کتیبه‌ها زیارت نامه‌هایی به زبان عبری برگرفته از کتاب مقدس (تورات) و در برخی موارد نیز نام زائرین بقعه یا نام برخی مدفونین سرشناس و معروف یهودی در قبرستان همجوار بقعه می‌باشند. (اکنون اثری از قبرستان مذکور وجود ندارد). در اتاق مقبره دو صندوق مثبت کاری مجلل (یکی عتیقه و قدیمی و دیگری نوساز) بر روی سقف سردابه و به قولی بر روی قبرهای هر یک از مدفونین قرار دارد. به اعتقاد یهودیان صندوق عتیقه بر روی قبر «استر» ملکه و همسر یهودی شاهنشاه خشایارشا هخامنشی و صندوق نوساز بر روی قبر «مردخای» عموی وی قرار دارد. بقعه استر و مرد خای که از آثار دوران ایلخانی می‌باشد با شماره ۲۹۱

عرض ۱۳۰*۲۰۰ سانتی متر فرار گرفته است. مقبره در نمای بیرونی از سه قسمت بدنه چهار ضلعی، منطقه انتقالی یا گریو و گنبد دو پوش شانزده ترکی و در مقطع داخلی از دو قسمت بدنه و گنبد نیمکروی یا عرقچین تشکیل شده است. بدنه در نمای خارجی با تعدادی نغولهای مستطیلی و طاقماهایی با طاق جناغی کم‌خیز و در نمای داخلی نیز با تعدادی طاقما و کاشی با لعاب فیروزه‌ای رنگ تزئین شده است. بر طبق نظر محققان و مزار شناسان صاحب‌نظر مزار موسوم به امامزاده هادی مزار یکی از افراد خاندان علویان یا سادات حسنی همدان در قرن ششم هجری می‌باشد که این مطلب با توجه به قرار گیری مزار مزبور در منطقه «باغ علی» که از دیرباز به عنوان موقوفه خاندان علوی همدان شناخته شده، چندان دور از واقعیت به نظر نمی‌رسد. (۳۹) با نگرش به ویژگیهای معماری و ساختاری بنا (نقشه، نما و گنبد) و مقایسه با دیگر بناهای مشابه ساختمان امامزاده هادی را می‌توان متعلق به دوره ایلخانی دانست.

۴- برج قربان

بنای تاریخی برج قربان که در سمت شرق و در محدوده بافت کهن و تاریخی شهر همدان قرار گرفته از مهمترین بناهای آرامگاهی دوره اسلامی در شهر همدان می‌باشد. ساختمان برج قربان از نوع مقابر برجی با نقشه دوازده ضلعی و گنبد دوپوش مخروطی و رک دوازده ترک بیرونی و نیمکروی داخلی و به ارتفاع ۱۶ متر می‌باشد. برج مقبره موسوم به قربان به قطر داخلی ۵ متر و قطر بیرونی ۷ متر ساخته شده است. ضخامت دیوارها نیز تقریباً ۲ متر می‌باشد. ورودی اصلی و در عین حال تنها مدخل بنا به ابعاد عرض ۸۰ و عمق ۵۰ سانتی متر و ارتفاع ۲ متر در ضلع شمالی واقع شده است. اضلاع دوازده‌گانه بیرونی بنا هر یک به عرض ۲ متر می‌باشد که در هر یک از آنها نغولهایی مستطیل شکل با طاقماهایی بلند و جناغی فرار گرفته است. در هر یک از اضلاع ۱۲ گانه داخل بنا نیز طاقماهایی به عرض ۹۰ و عمق

در تاریخ ۱۳۶۱/۹/۲۹ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده است. (۴۱)

۶- امامزاده محسن

این بنا در ۱۵ کیلومتری شمال غرب شهر همدان در بخش مریانج (جزو بخش مرکزی شهرستان همدان) در انتهای دره‌ای کوهستانی که از آن در متون تاریخی و جغرافیایی کهن دوره اسلامی به نامهای مختلفی از قبیل؛ ماوشان، ماوشانرود، مامشارود و ... نام برده شده واقع است. ساختمان امامزاده محسن بر نقشه مستطیل شکل و در جهت شمالی-جنوبی قرار گرفته است. طول و عرض آن به ابعاد ۲۶×۲۰ متر می‌باشد. این بنا از اجزاء ساختمانی مختلفی همچون ایوان ورودی و دو حرم پیوسته و متصل به یکدیگر با گنبدهایی بر فراز هر یک از حرم‌های مذکور تشکیل شده است. مدخل بنا در ضلع شمالی و در داخل ایوان ورودی و در محور هر دو شبستان یا حرم بنا قرار دارد. شبستان پیشین بنا موسوم به «حرم فبر صحابه» در گذشته گنبد دو پوسته شنجمی داشته که به مرور زمان و بنا به دلایل طبیعی (بارندگی و ...) پوشش بیرونی گنبد ریخته و تنها گنبد نیم‌کروی و عرقچین زیرین آن باقی مانده بود که در سالهای اخیر گنبدی با روکش فلزی بر روی آن قرار گرفته است. شبستان پسین یا حرم دوم با ابعاد تقریبی ۱۵۰×۶۷ متر اتاق اصلی مقبره و به قولی مدفن و مزار امامزاده محسن بن علی بن ابی طالب (ع) می‌باشد. (۴۲) در داخل بنا طاقنماهای کم عمقی با طاق جناغی کند زینت بخش دیوارهای هر دو شبستان می‌باشد. در جبهه بیرونی و ضلع غربی بنا ایوانها و غرفه‌هایی جهت اقامت زائرین امامزاده ساخته شده که نسبت به بنای امامزاده جدیدتر و نوسازتر می‌باشند. با توجه به کتیبه‌ای با تاریخ ۷۳۵ ه‍.ق که پیشتر در ایوان ورودی بنا قرار داشته و همچنین دیگر ویژگیهای معماری و ساختاری که در این بنا مشاهده می‌شود این ساختمان را می‌توان از ساخته‌های دوران ایلخانی دانست که در دوره‌های بعد به ویژه صفوی و قاجار نسبت به مرمت یا الحاق

قسمت‌های دیگر به این بنا اقدام کرده‌اند. ساختمان امامزاده محسن در تاریخ ۱۳۴۷/۱/۱ به شماره ۸۲۳ در فهرست آثار ملی و تاریخی ایران ثبت شده است. (۴۳)

۷- امامزاده یحیی

بنای تاریخی - مذهبی موسوم به امامزاده یحیی در یکی از محلات قدیمی و کهن شهر و همنام با امامزاده موسوم به «چمن امامزاده یحیی» قرار دارد. ساختمان این آرامگاه که بر نقشه مربع شکل و در جهت شمالی-جنوبی قرار گرفته دارای ابعاد طول و عرض ۶۵×۶۵ متر و ارتفاع آن از سطح صحن مقبره تا راس گنبد ۱۲ متر می‌باشد. بنا در داخل صحن وسیعی قرار گرفته و شامل دو بخش رواق و گنبدخانه (اتاق مقبره) است. در وسط هر یک از اضلاع چهارگانه بنا ایوانهایی جهت ورود به داخل رواق امامزاده تعبیه شده است. در دو سوی این ایوانها طاقنماهای تزئینی به صورت دو اشکوبه قرار دارد. نماهای اضلاع شمالی و جنوبی کاملاً فریبه هم و نماهای اضلاع شرقی و غربی بنا نیز جز یک مورد اختلاف در نوع قوسهای طبقه فوقانی طاقنماها که در نمای شرقی هلالی و در نمای غربی قوس نیزه دار یا جناغی هستند با یکدیگر مشابه می‌باشند. راه پله‌هایی در چهار گوشه جبهه خارجی ساختمان، مقبره جهت راهیابی به حجره‌های اشکوب فوقانی بنا تعبیه گردیده و چهار گوشه بنا را از بیرون به صورت پنج درآورده است. عرض رواق اطراف مقبره حدود ۳ متر و سقف آن به شیوه طاق و چشمه طاق ساخته شده است. پلان اتاق مقبره مربع و دارای ابعاد ۶×۶ متر می‌باشد. وسط هر یک از اضلاع چهارگانه اتاق مقبره مدخلی به پهنای ۳/۱۰ متر به رواق راه دارد. با توجه به فرم کلی پلان اتاق مقبره که بصورت چهار ضلعی گنبد دار و چلیپایی شکل می‌باشد، شباهت نزدیکی به پلان بناهای چهار طاقی ساسانی دارد. بنای امامزاده فاقد کتیبه تاریخی ساختمان و نام بانی می‌باشد ولیکن قدیم‌ترین تاریخهای مکتوب که در بنا مشاهده می‌شود تاریخ ۱۳۰۶ ه‍.ق در ایوان آیینه کاری شده غربی و

تاریخ ۱۳۷۳ هـ ق در قسمت بالای درب ورودی به صحن امامزاده در ضلع غربی (داخل بنا) می‌باشند. البته هیچ یک از این دو تاریخ بیانگر زمان ساخت بنا نمی‌باشند و مربوط به تاریخ انجام تزئینات یا مرمت در بنا است. با نگرش به ویژگی‌های معماری و ساختاری که در نقشه، نما و تزئینات ساختمان مشاهده می‌شود بنای امامزاده یحیی را می‌توان از آثار دوره صفوی دانست که در دوره قاجار الحاقاتی از جمله رواق اطراف اتاق مقبره را به آن اضافه کرده‌اند. ساختمان امامزاده یحیی در تاریخ ۱۳۵۴/۳/۲۸ با شماره ۳/۱۲۸۶ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

۸- امامزاده حسین بن علی النقی (ع)

این امامزاده در محدوده مرکزی و بافت نجاری- اقتصادی شهر و به فاصله کمی از میدان امام خمینی (ره) در ابتدای خیابان شهدا قرار گرفته است. بنای امامزاده با نقشه و پلان مستطیل شکل با ابعاد تقریبی طول و عرض ۱۳*۲۵ متر در داخل صحن نسبتاً وسیعی که در قسمت‌های شرقی و جنوبی آن حجره‌ها و اتاق‌هایی نوساز قرار گرفته ساخته شده است. بنا از منظر ساختمانی و معماری از چندین بخش مختلف از جمله: ایوان، اتاق ورودی، اتاق مقبره و سرداب تشکیل شده است. مدخل بنا در ضلع شرقی و جلوخان ساختمان امامزاده قرار گرفته است. طرفین ایوان ورودی دو اشکوبه ساخته شده که هر طبقه شامل دو اتاق است. اتاق ورودی یا شبستان پیشین بنا با نقشه چلیپایی ساخته شده که در چهار طرف هسته مرکزی آن چهار شاه نشین عمیق قرار گرفته است. شاه نشین شرقی اتاق مذکور به ایوان ورودی متصل می‌شود و شاه نشین غربی نیز اتاق ورودی را به اتاق مقبره مرتبط می‌سازد. اتاق مقبره با نقشه هشت ضلعی ساخته شده که طول هر ضلع آن ۳/۳۰ متر می‌باشد و در هر ضلع آن، طاقنمایی به صورت شاه نشین به عرض ۲/۵۰ متر و عمق ۱/۵۰ متر وجود دارد. بررسی انگاره‌های مزار شناسی در باره این امامزاده بیانگر این مطلب می‌باشد که مزار موسوم به امامزاده

حسین (شاهزاده حسین) آرامگاه خانوادگی چند تن از بزرگان و رئیسان خاندان علویان همدان که در سده‌های میانی اسلام در این شهر سمت ریاست و نقابت داشته‌اند، می‌باشد. (۴۴) همچنین درباره قدمت و دیرینگی ساختمان امامزاده حسین با بررسی ساختمان و اجزای معماری و مطالعه و مقایسه نقشه، نما و تزئینات آن به این نتیجه رسیدیم که هسته اولیه و شالوده اصلی بنا متعلق به دوره ایلخانی می‌باشد که در ادوار بعد به ویژه صفوی و قاجار تغییرات زیادی در نقشه و تزئینات آن به عمل آمده است. بقعه شاهزاده حسین با شماره ۳/۱۳۰۷ در تاریخ ۱۳۶۵/۳/۲۸ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده است. (۴۵)

۹- امامزاده اهل بن علی (ع)

امامزاده اهل بن علی (اهل علی) یا عیسی بن احمد در شمال شرقی همدان و در سمت غرب تپه تاریخی مصلی واقع شده است. بنای امامزاده بر نقشه مستطیلی شکل و در جهت شمالی- جنوبی، با ابعاد طول و عرض ۱۱*۱۷ متر ساخته شده است. ساختمان امامزاده در داخل صحن وسیعی قرار گرفته است. اطراف بنا را در سه جهت شمال- جنوب و شرق صحن و حیاط امامزاده در بر گرفته است. در قسمت غرب بنا نیز کوچه ر معبر مجاور امامزاده قرار دارد. در واقع ضلع غربی بنای امامزاده دیوار خارجی و بیرونی بنا را تشکیل می‌دهد. بنای امامزاده از قسمت‌های مختلفی مانند مدخل، اتاق مقبره، گنبد خانه و دو اتاق کوچک در سمت جنوب اتاق مقبره تشکیل شده است. در داخل ساختمان امامزاده به جز آینه‌کاری که آنهم به تازگی به انجام رسیده تزئین دیگری مشاهده نمی‌شود. به غیر از سنگ مزار اصلی که درون ضریح چوبی مشبک مرقد قرار گرفته، دو سنگ قبر قدیمی دیگر نیز با تاریخ ۱۰۳۲ هـ ق در داخل ساختمان امامزاده مشاهده می‌شود. نوشته‌های روی این دو سنگ قبر فرد مدفون را «شاه ملا ابن سلطان علی» معرفی می‌کند. بررسیهای مزار شناسان در این باره نشان می‌دهد که این آرامگاه متعلق به

شخصی به نام «امیر سلطان علی حسنی صفوی» موسوم و ملقب به «اعلیٰ علی» (دوستدار خاندان حضرت علی (ع)) از بزرگان و دولتمردان دوره صفوی در منطقه همدان بوده که پس از وفات در این مکان آرمیده است. همچنین این بررسیها حاکی از آنست که «شاه ملا» مذکور نیز از فرزندان ایشان بوده است. (۵۶) با توجه به مطالب یاد شده و مقایسه نقشه و ساختار بنا با بناهای مشابه این بنا را می‌توان از آثار اوایل دوره صفوی دانست.

۱۰- امامزاده اسماعیل (ع)

بنای امامزاده اسماعیل در سمت شمال غرب شهر همدان و با فاصله کمی از گنبد علویان و امامزاده هادی قرار گرفته است. با توجه به نوشته‌های متون تاریخی مربوط به همدان بیشتر در جوار این امامزاده قبرستان وسیع و معتبری نیز وجود داشته که هم اینک به علت ساخت و ساز در اطراف بنا اثری از قبرستان مزبور مشاهده نمی‌شود. ساختمان امامزاده از نوع مقابر با نقشه چهار ضلعی گنبددار می‌باشد با این توضیح که در گوشه‌ها به صورت پخ در آمده و نقشه بنا تقریباً به هشت ضلعی تبدیل شده. در گذشته، گنبدی شلجمی و دو پوش بر فراز بقعه قرار داشته که به علت گذشت زمان و فرسودگی و استفاده از مصالح کم‌دوام و نامرغوب پوشش اصلی و فوقانی گنبد فرور ریخته و هم اکنون فقط گنبد عرقچین و نیم‌دایره‌ای داخل بنا باقی مانده که بر فراز آن نیز گنبدی استوانه‌ای شکل ساخته شده است. مدخل اصلی بنا در ضلع شرقی می‌باشد. این قسمت از بنا بیشتر دارای طاقنمای بلند و سردری رفیع با کتیبه‌ای به تاریخ ۱۱۳۵ ه‍.ق بوده که به دلیل نوسازیهای مکرر و مرمت‌های متوالی ایوان و طاقنمای مذکور تخریب شده است.

(۵۷) حرم اصلی بنا به شکل مربع و به طول شمالی - جنوبی ۵/۳۰ متر و عرض شرقی - غربی ۵/۲۰ متر می‌باشد. در چهار طرف حرم چهار شاه نشین به عرض ۳ متر و عمق ۱/۸۰ متر مشاهده می‌شود. از مطاوی متون تاریخی چنین بر می‌آید که

این مزار در قرن نهم هجری وجود داشته (۴۸) و سپس (طبق کتیبه‌ای که در بنا وجود داشته) در آخرین سال حکومت سلطان حسین صفوی (۱۱۳۵ ه‍.ق) آن را مرمت نموده‌اند.

پی نوشت ها :

- ۱- کیانی، محمد یوسف؛ ۱۳۷۴، تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، تهران، انتشارات سمت، ص ۳۹.
- ۲- گریباز، الگ، ۱۳۷۵، اولین بناهای یادبود اسلامی، ترجمه کلود کریاس، فصلنامه علمی، فنی، هنری اثر، شماره های ۲۷-۲۶، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ص ۱۷.
- ۳- ورجاوند، پرویز و دیگران؛ ۱۳۷۱، بقعه، در دایره المعارف تشیع، ج سوم، زیر نظر احمد صدر حجاج سید جواد، تهران، موسسه دایره المعارف تشیع، صص ۳۰۲-۳۰۰؛ همچنین الحارالعالمی، محمد بن حسن؛ ۱۴۰۹، "وسائل الشیعه، باب استحباب القبور و رفع اربع اصابع الی شیری"، ج یک، ص ۸۶۵.
- ۴- هیلن براند، رابرت؛ ۱۳۶۶، مقابر، ترجمه کرامت الله افسر، در معماری ایران دوره اسلامی، به کوشش محمد یوسف کیانی، تهران جهاد دانشگاهی، صص ۶۰-۵۹.
- ۵-،، ۱۳۷۷، معماری اسلامی، ترجمه ایرج اختصام، تهران، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران)، ص ۳۱۴.
- ۶- همانجا
- ۷- صفوی، مهدی؛ ۱۳۷۶، آرامگاه در گستره فرهنگ ایرانی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ص ۹۹.
- ۸- آتینگهاوزن، ریچارد و گریباز، الگ؛ ۱۳۷۸، هنر و معماری اسلامی، ترجمه یعقوب آژند، سمت، ص ۳۰۱.
- ۹- ورجاوند، پرویز، پیشین
- ۱۰- همانجا
- ۱۱- اسپولر، برتولد؛ ۱۳۷۷، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه جواد فلاطوری، ج اول، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۳۲۰.
- ۱۲- آتینگهاوزن و گریباز، پیشین، ص ۳۸۲، ارجح، اکرم؛ ۱۳۷۵، بقعه، در دانشنامه جهان اسلام، ج سوم، حریف ب، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دایره المعارف اسلامی، صص ۶۲۷-۶۲۰ و نیز؛

ویلبر ، دونالد ؛ ۱۳۶۵ ، معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانیان، ترجمه عبدالله فریاد، تهران ، انتشارات علمی و فرهنگی ، ص ۳۴ .

۱۳- آتینگهاوزن و گرابار ، پیشین ، ص ۳۸۶ .

۱۴- جهت اطلاعات بیشتر رک : شهرداری ، سراره؛ ۱۳۷۷ ، نقش آجر کساری در تزئین مقابر دوره سلجوقی (قرن ۵ و ۶ هـ. ق) در ایران ، پایان نامه کارشناسی ارشد باستان شناسی ، دانشگاه تهران ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی .

۱۵- کیانی ، محمد یوسف، ۱۳۷۴ ، تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، صص ۱۸۲ - ۷۸ .

۱۶- گلنیک ، لیزا و دونالد ویلبر ؛ ۱۳۷۴ ، معماری نیموری در ایران و توران ، ترجمه محمد یوسف کیانی و کرامت الله افسر ، تهران ، سازمان میراث فرهنگی کشور ، ص ۸۶

۱۷- هیلن براند ، رابرت ؛ ۱۳۷۴ ، معماری، در هنرهای ایران به کوشش دینسو فریه ، ترجمه پرویز مرزبان ، تهران ، نشر و پژوهش فرزاد روز ، صص ۹۹ - ۹۵ .

۱۸- کیانی ، پیشین ، ص ۵۸

۱۹- همان ، صص ۱۷۵ - ۱۷۴

۲۰- همان ، صص ۱۷۳ - ۱۷۱

۲۱- همان ، صص ۱۶۷ - ۱۶۶

۲۲- همان ، ص ۱۰۵

۲۳- هیلن براند ، رابرت ؛ ۱۳۸۰ ، معماری ایران در دوره صفویان ، در تاریخ ایران دوره صفویان ، ترجمه یعقوب آژند ، گردآورنده احسان یار شاطر، پژوهش دانشگاه کمبریج ، تهران ، انتشارات جامی ، ص ۴۷۹

۲۴- _____ ، _____ ؛ ۱۳۷۷ ، معماری اسلامی ، ترجمه ایرج اعتصام ، تهران ، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری ، ص ۳۴۴

۲۵- همان ص ۳۴۶

۲۶- گذار ، آندره و دیگران؛ ۱۳۷۵ ، آثار ایران ؛ ترجمه سروقد مقدم ، ح سوم ، مشهد ، آستان قدس رضوی ، ص ۲۸۵ - ۲۸۰

۲۷- هیلن براند ، رابرت ؛ پیشین ، ص ۳۴۵

۲۸- گذاره آندره و دیگران ، پیشین ، صص ۲۸۰ - ۲۷۴

۲۹- گلنیک ، لیزا و دونالد ویلبر ، پیشین ، صص ۹۸۹ - ۵۷۵

۳۰- همان ، صص ۹۸۹ - ۵۷۶

۳۱- هیلن براند ، رابرت ، پیشین، ص ۳۴۹

۳۲- همان ، ص ۳۴۳ ، و نیز حاتم ، غلامعلی؛ ۱۳۷۹ ، معماری اسلامی ایران در دوره سلجوقیان، تهران، مآجد ، ص ۱۰۲

۳۳- هیلن براند ، رابرت ، همان

۳۴- کیانی ، محمد یوسف ؛ پیشین ، ص ۴۳ ، همچنین : لاله، هایده؛ ۱۳۷۷ ، مقبره سامانیان در بخارا ، دایره المعارف بزرگ اسلامی ، ج ۸ ، زیر نظر

کناظم موسوی بجنوردی ، تهران ، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی ، صص ۶۴۶ - ۶۴۳

۳۵- آتینگهاوزن و گرابار؛ پیشین ، ص ۳۰۳ ، و نیز ، لاله ، هایده؛ پیشین ، ص ۶۴۵ ، گرابار ، الگ؛ ۱۳۷۵ ، اولین بناهای یادبود اسلامی ، ترجمه کلود کرباسی ، فصلنامه علمی ، فنی ، هنری اثر ، شماره های ۲۷ - ۲۶ ، تهران سازمان میراث فرهنگی کشور ، ص ۳۰ ، گرابار ، الگ ، ۱۳۸۰ ، هنرهای دیداری در تاریخ ایران از فروپاشی ساسانیان تا آمدن سلجوقیان ، ترجمه حسن انوشه ، گردآورنده احسان یار شاطر (پژوهش دانشگاه کمبریج)، جلد چهارم ، تهران انتشارات امیر کبیر ، ص ۲۹۶ .

۳۶- اذکایی، پرویز؛ ۱۳۸۰ ، مزارات همدان، در همدان نامه (بیست گفتار درباره ما دستان)، همدان، انتشارات مادستان، ص ۲۷۸ . همچنین: همو، ۱۳۶۷ ، فرمان، ایان گمنام، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، ص ۲۸۲ .

۳۷- مصطفوی، محمد تقی؛ ۱۳۳۲ ، هگمتانه (آثار تاریخی همدان)، تهران، بی نا، صص ۲۰۴-۲۰۱ .

۳۸- اذکایی، پرویز؛ ۱۳۸۰ ، مزارات همدان، در همدان نامه، همدان، انتشارات مادستان، ص ۳۰۲ .

۳۹- همان، ص ۲۸۶ .

۴۰- کیانی ، محمد یوسف؛ ۱۳۷۹ ، معماری ایران در دوره اسلامی، تهران، سمت، ص ۱۰۲ ، همچنین: غروی، مهدی؛ ۱۳۷۶ ، آرامگاه در گستره فرهنگ ایرانی: تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ص ۳۸۳ .

۴۱- برای اطلاعات بیشتر رک به مقاله نگارنده با عنوان «نگرشی تاریخی- باستان شناختی به مزار استر و مردخای همدان» که در دومین همایش باستان شناسان جوان ایران (اردیبهشت ۸۲) در دانشگاه تهران ارائه شد. (زیر چاپ)

۴۲- عبداللیم زاده، محمد حسین؛ ۱۳۷۹ ، پژوهشی درباره امامزادگان همدان، قم، آزاد گرافیک، صص ۲۸-۲۵ .

۴۳- برای اطلاعات بیشتر در خصوص این آرامگاه رک به مقاله نگارنده با عنوان: «امامزاده محسن همدان»، فصلنامه وقف میراث جاویدان، سال دوازدهم، شماره ۴۶ ، تابستان ۱۳۸۳ ، صص ۱۰۳-۹۳ .

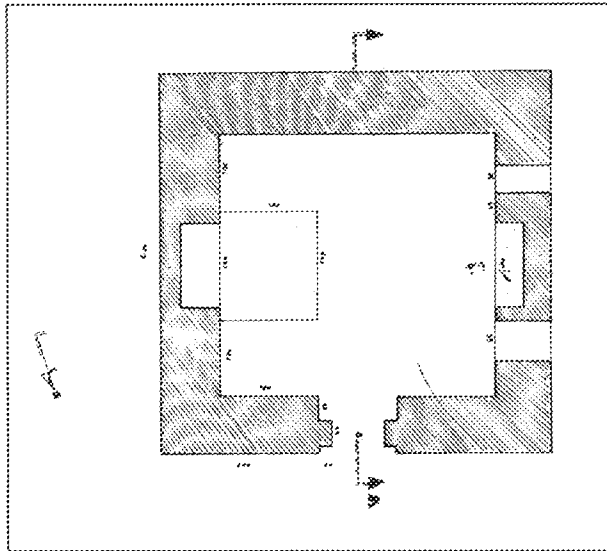
۴۴- اذکایی، پرویز؛ پیشین، ص ۲۷۵ .

۴۵- برای اطلاعات بیشتر درباره بقعه شاهزاده حسین همدان بنگرید به مقاله نگارنده با عنوان: «امامزاده حسین همدان» ، فصلنامه علمی، پژوهشی فرهنگ همدان، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان همدان، سال نهم، شماره های ۳۳-۳۲ ، پاییز و زمستان ۱۳۸۲ ، صص ۲۴-۱۴ .

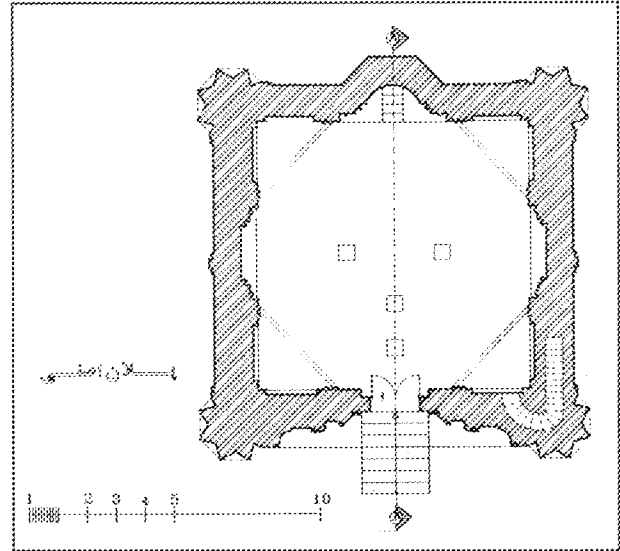
۴۶- اذکایی، پیشین، صص ۲۷۳-۲۷۱ .

۴۷- مصطفوی، محمد تقی؛ پیشین، ص ۲۳۵ .

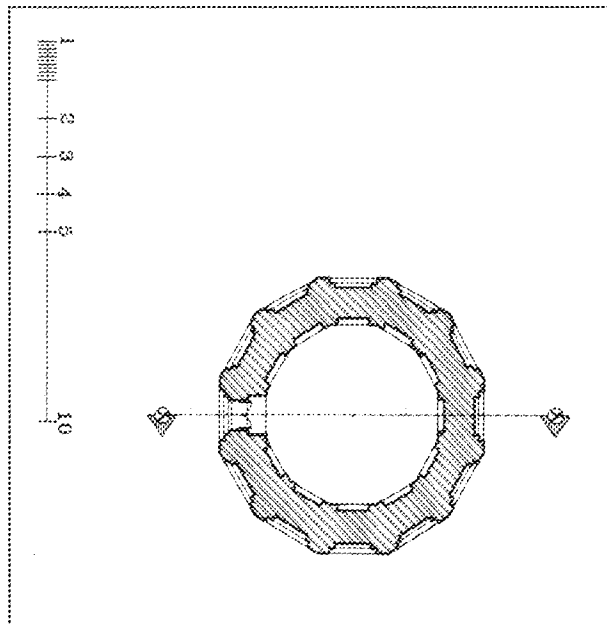
۴۸- اذکایی، پیشین، ص ۲۹۱ .



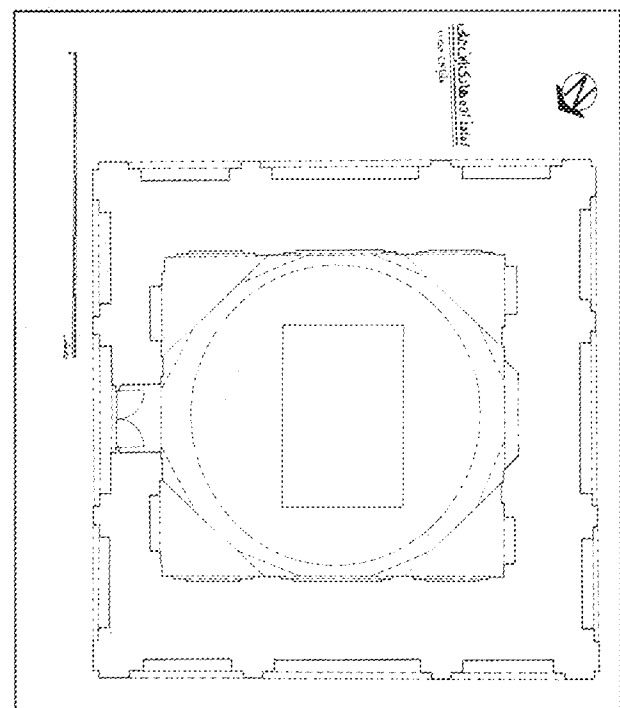
۲ - نقشه بقعه خضر همدان



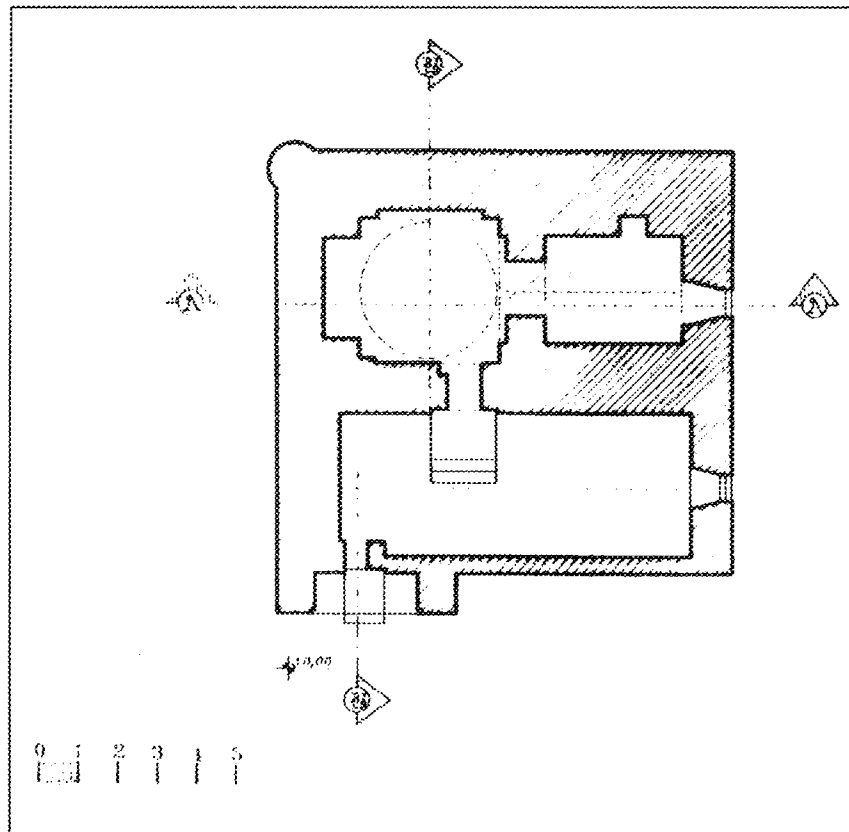
۱ - نقشه گنبد علویان همدان



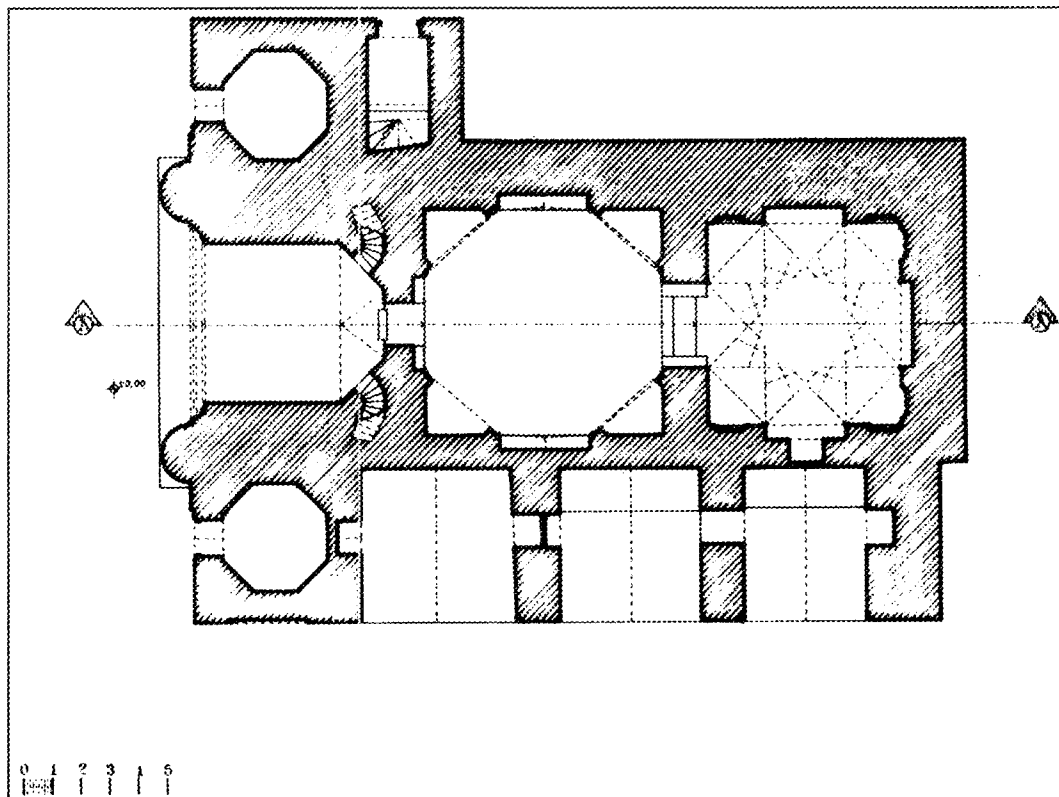
۱ - نقشه برج کرمان همدان



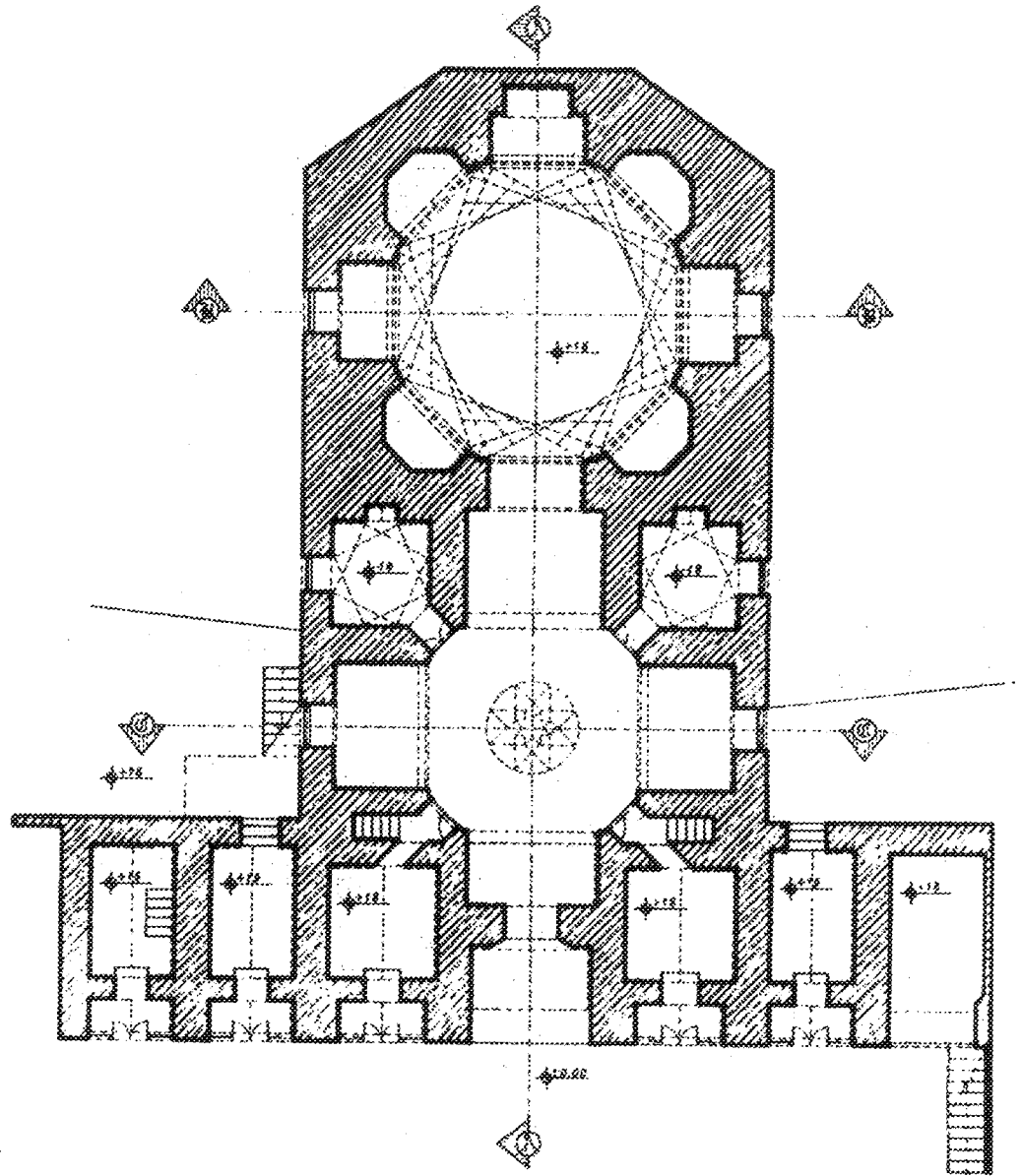
۲ - نقشه امامزاده هادی همدان



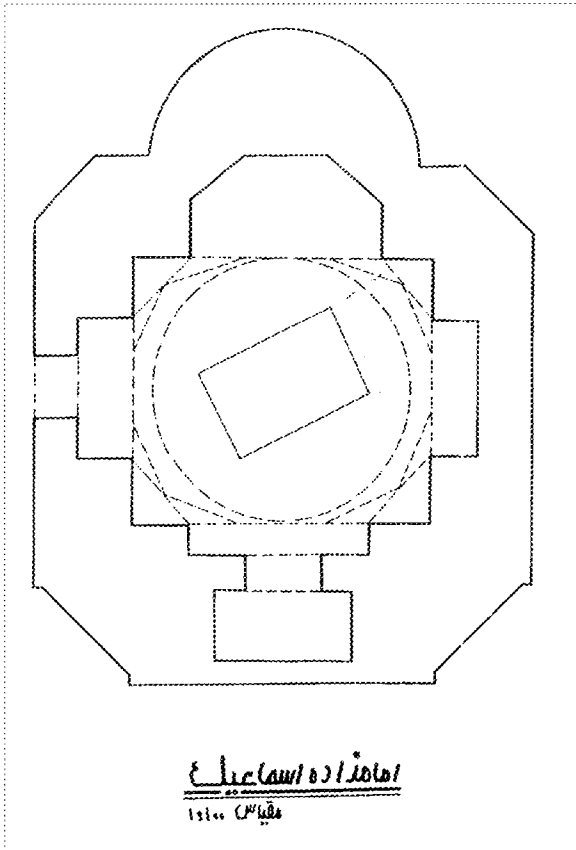
۵ - نقشه بقعه آستر و مردخای



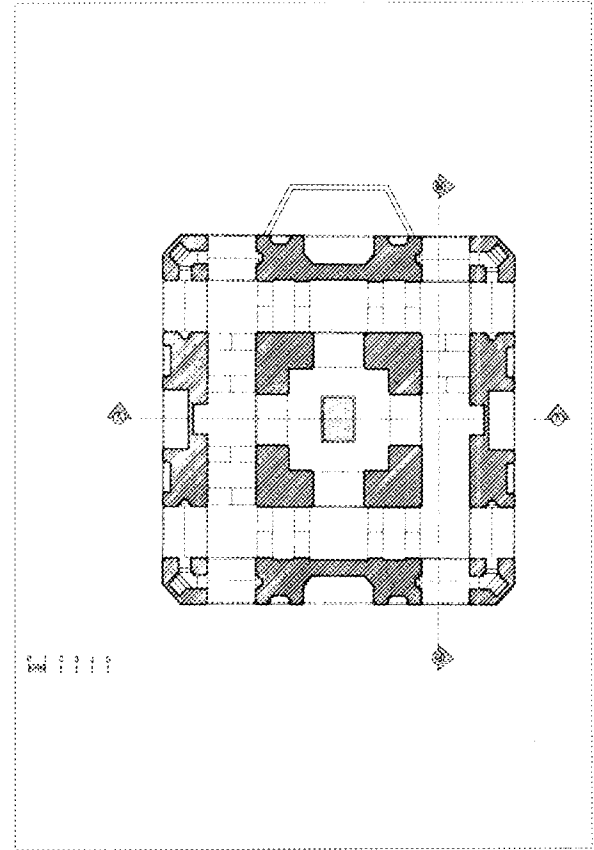
۶ - نقشه بنای آرامگاه امامزاده محسن همدان



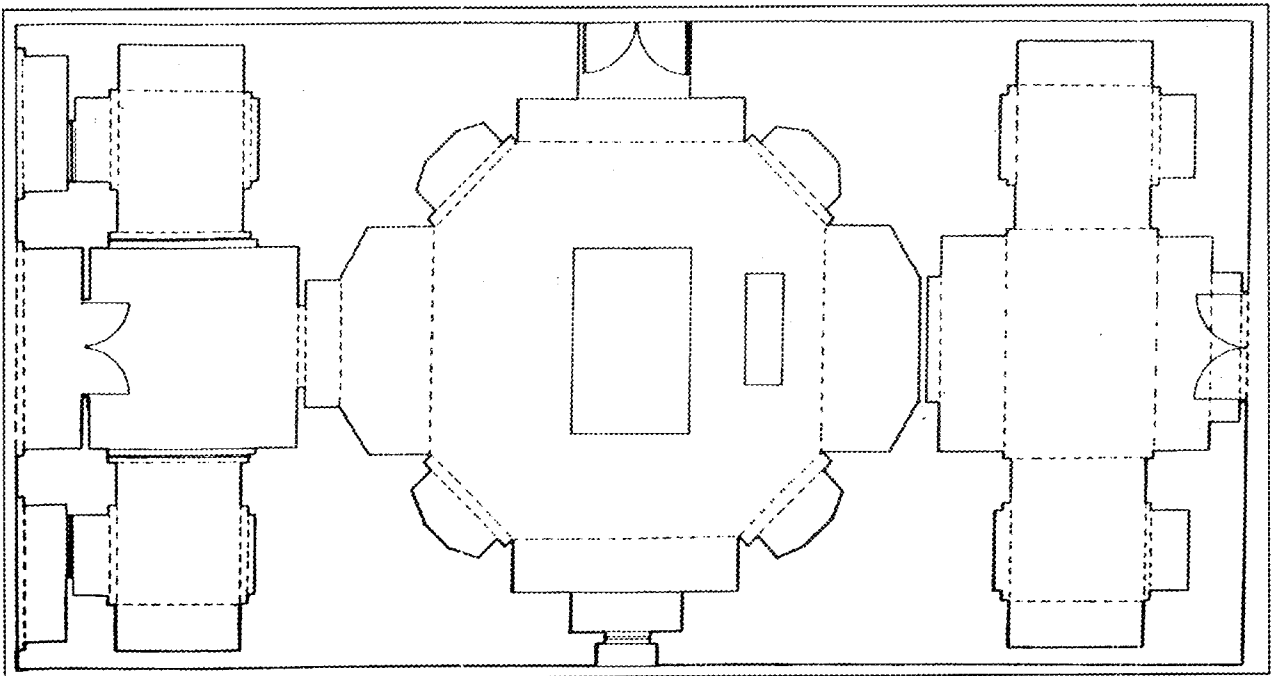
۷- نقشه آرامگاه شاهزاده حسین همدان



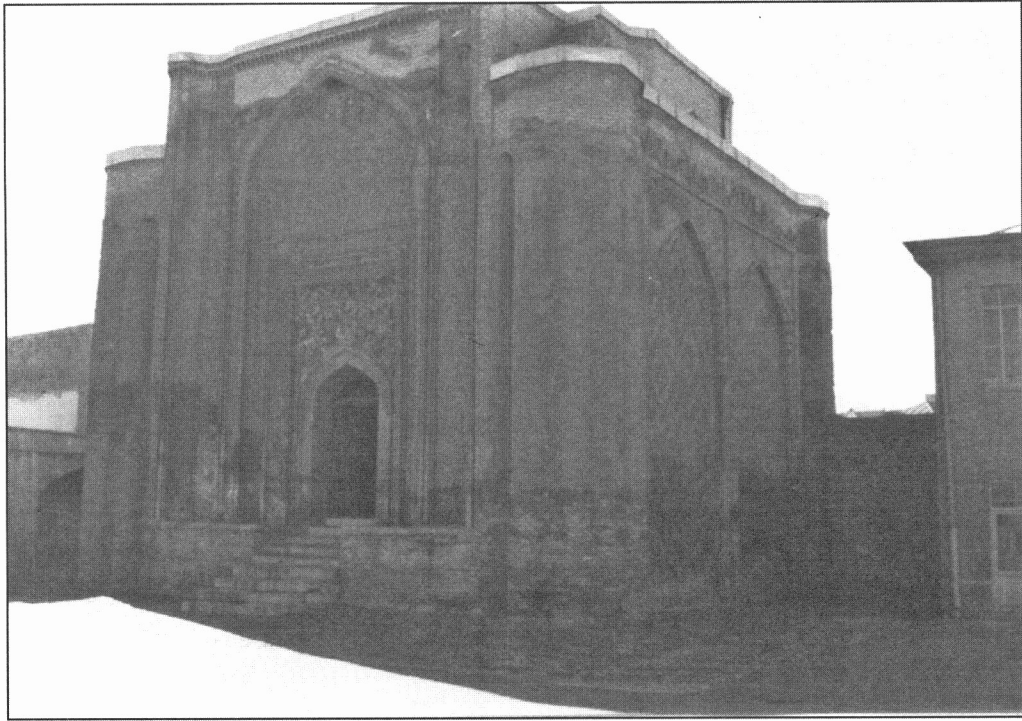
۱۰ - نقشه بنای امامزاده اسماعیل همدان



۸ - نقشه بنای امامزاده یحیی همدان



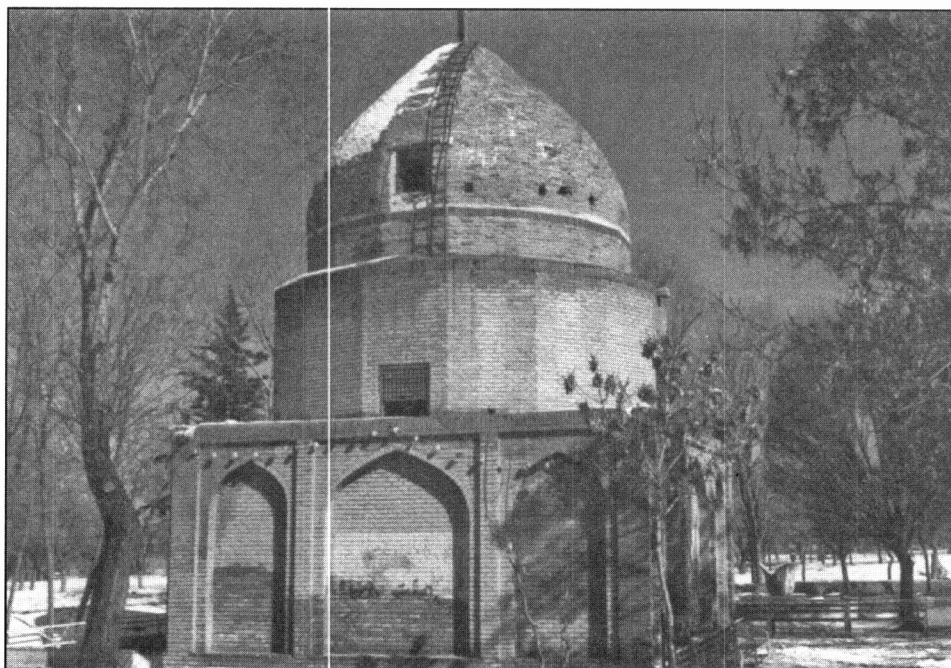
۹ - نقشه بنای امامزاده اهل بن علی همدان



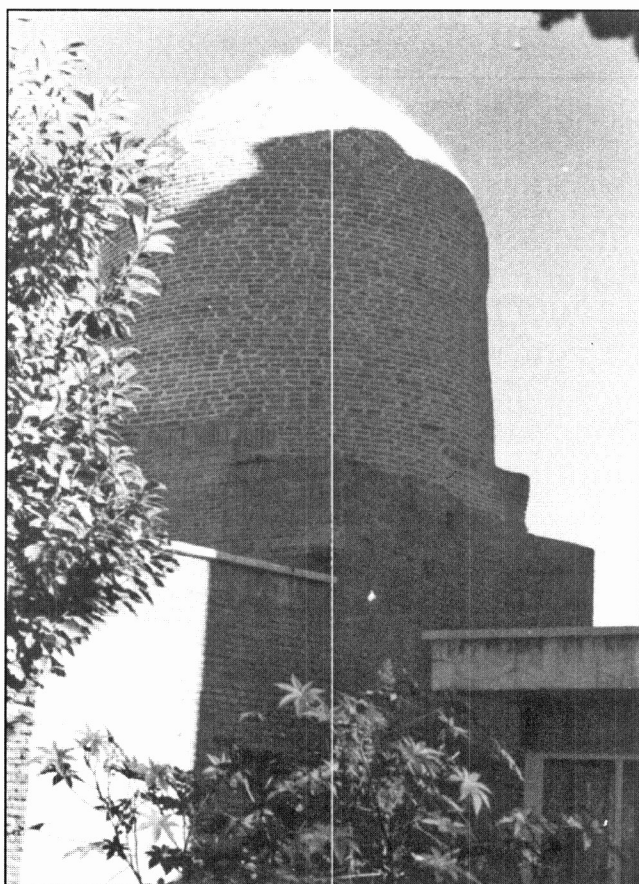
۱ - گنبد علویان همدان



۲ - بقعه خضر همدان



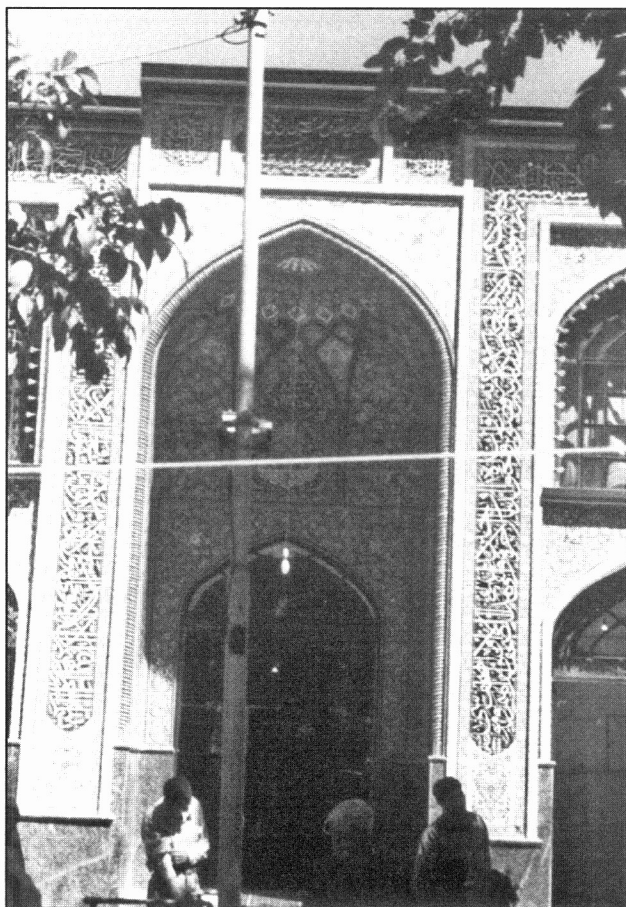
۳ - امامزاده هادی بن علی همدان



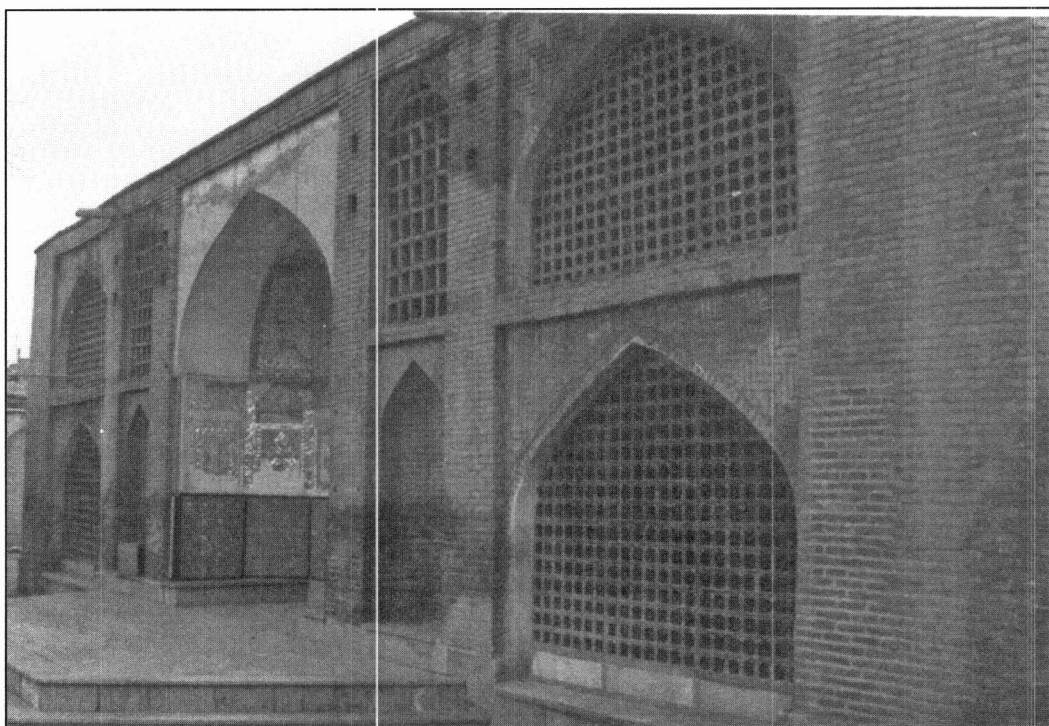
۴ - بقعه استر و مردخای همدان



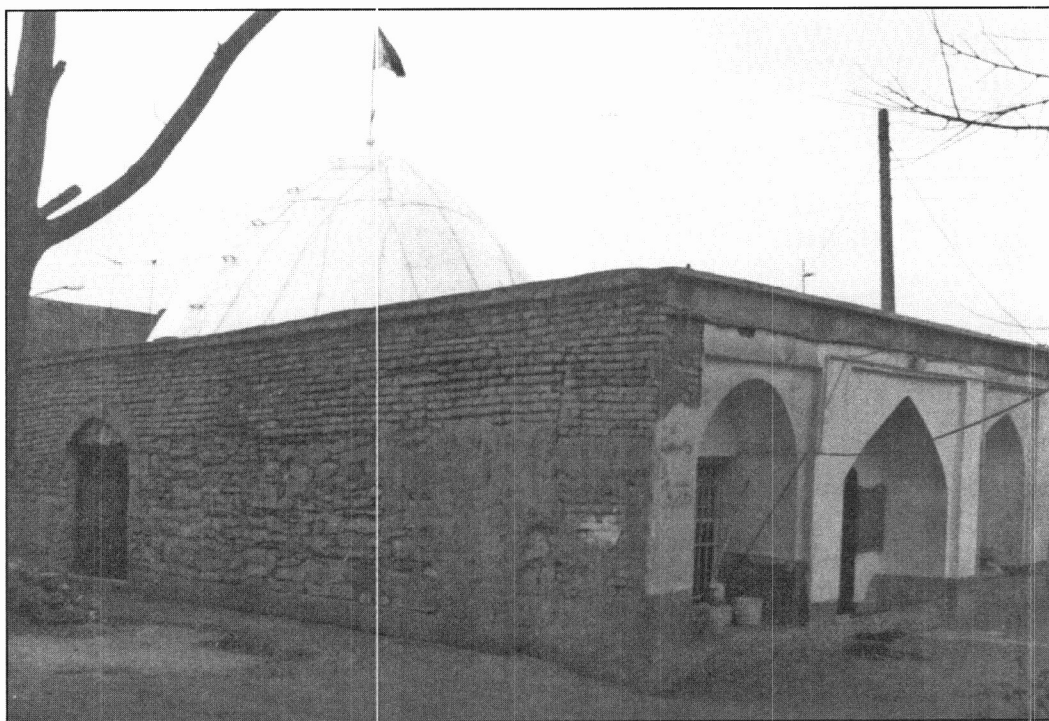
۵ - امامزاده محسن همدان



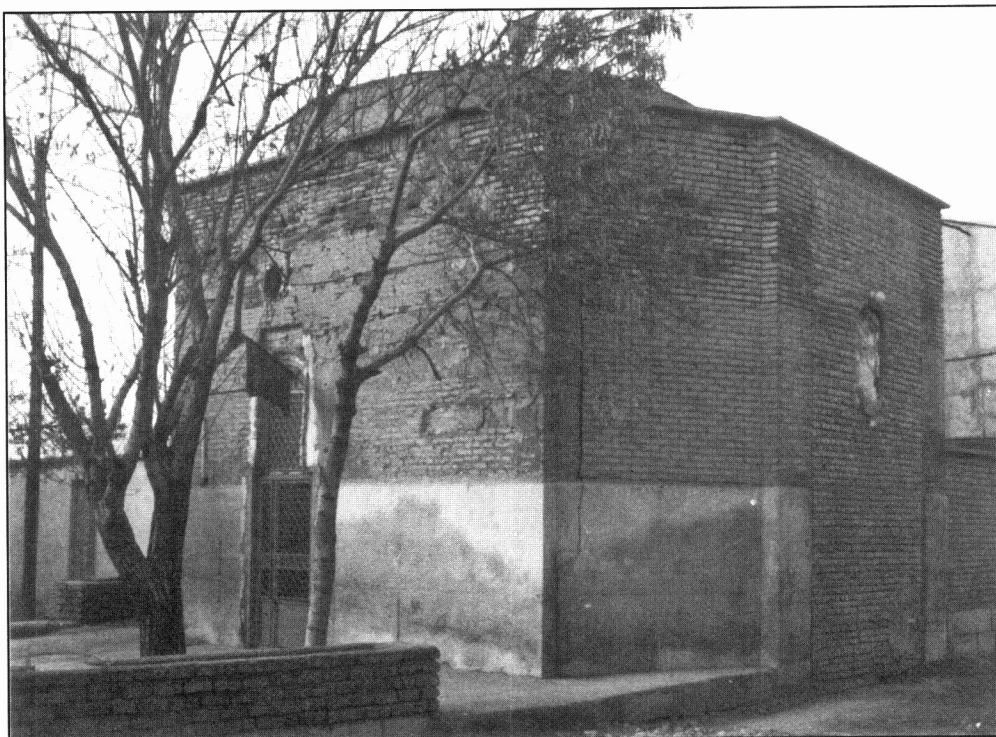
۶ - ۶ - امامزاده حسین همدان



۷ - امامزاده یحیی همدان



۸ - امامزاده اهل بن علی همدان



۹ - امامزاده اسماعیل همدان